




The University of Tehran Press

The Relationship between Implied Recognition and Third-Party Intervention in International Court of Justice with emphasis on Intervention of Islamic Republic of Iran in South Africa vs Israel Case before the International Court of Justice

Ahmad Momenirad¹  | Seyed Hossein Mousavifar²  | Soroush Seyedian Hashemi³ 

1. Associate Professor of International Law, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran. Email: momenirad@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; Assistant professor of International Law, Department of Criminal law and Criminology, Faculty of law and political sciences Ferdowsi university of Mashhad, Mahshad, Iran. Email: sh.mousavifar@ferdowsi.um.ac.ir
3. Ph.D Candidate of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: hashemi83@yahoo.co.uk

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 111-130</p> <p>Received: 2024/06/05</p> <p>Received in Revised form: 2024/12/22</p> <p>Accepted: 2025/02/03</p> <p>Published online: 2026/03/21</p> <p>Keywords: <i>Implied Recognition, declaratory recognition, constitutive recognition, intervention of Article 62, intervention of Article 63, Genocide Convention.</i></p>	<p>The aim of this article is to address the question of whether Iran's intervention as a third party in the case brought by South Africa against the Israeli regime before the International Court of Justice (ICJ) would imply an implicit recognition of the Israeli regime as a state or not. The central hypothesis of this study is that initiating legal proceedings or third-party intervention, in this context, does not influence the legal matter of recognition. An examination of third-party intervention in the ICJ and the international law governing recognition reveals that neither initiating proceedings nor intervening as a third party would affect Iran's position of non-recognition of the Israeli regime as a state. This is due to the fact that recognition occurs only through the explicit consent of states and further considering the fact that Iran explicitly insists on non-recognition of the Zionist Regime, intervention in a case as a third party would not imply recognition of the regime. Nonetheless, in deciding whether to intervene in the aforementioned case, it is necessary to consider the possibility that the Israeli regime could initiate an independent claim against Iran under the Genocide Convention as a means of neutralizing Iran's legal action and influencing South Africa's case against the regime.</p>
How To Cite	Momenirad, Ahmad; Mousavifar, Seyed Hossein; Seyedian Hashemi, Soroush (2026). The Relationship between Implied Recognition and Third-Party Intervention in International Court of Justice with emphasis on Intervention of Islamic Republic of Iran in South Africa vs Israel Case before the International Court of Justice. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 56 (1), 111-130. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.375865.3523
DOI	10.22059/jplsqt.2025.375865.3523
Publisher	The University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۶، شماره: ۱

بهار ۱۴۰۵

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>

ارتباط شناسایی ضمنی با ورود ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر ورود جمهوری اسلامی ایران به دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی

احمد مومنی‌راد^۱ | سیدحسین موسوی‌فر^۲ | سروش سیدیان هاشمی^۳

۱. دانشیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: momenirad@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: sh.mousavifar@ferdowsi.um.ac.ir

۳. استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: hashemi83@yahoo.co.uk

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۱۱ - ۱۳۰</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: شناسایی ضمنی، شناسایی اعلامی، شناسایی تأسیسی، کنوانسیون نسل‌زدایی، ورود ثالث طبق ماده ۶۲، ورود ثالث طبق ماده ۶۳</p>	<p>هدف از این تحقیق پاسخ به این پرسش است که آیا ورود ثالث ایران به دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی دادگستری، به معنای شناسایی ضمنی رژیم صهیونیستی به‌عنوان دولت است یا خیر؟ فرضیه اولیه مقاله حاضر این است که اقامه دعوا و به‌تبع آن ورود ثالث که مسئله حقوقی است بر امر شناسایی تأثیرگذار نیست. بررسی ورود ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری و حقوق بین‌الملل حاکم بر شناسایی نشان می‌دهد که اقامه دعوا و به‌تبع آن ورود ثالث تأثیری بر موضع ایران دال بر عدم شناسایی رژیم صهیونیستی به‌عنوان دولت ندارد؛ چراکه شناسایی جز با رضایت صریح دولت‌ها انجام نمی‌شود، و نظر به این واقعیت که ایران بارها به‌صراحت، بر عدم شناسایی رژیم صهیونیستی تأکید کرده است، از این‌رو ورود به دعوا علیه آن دولت به‌عنوان ثالث به معنای شناسایی ضمنی آن رژیم محسوب نمی‌شود. در عین حال، در تصمیم برای ورود ثالث به دعوی فوق‌الشاره، باید احتمال اقامه دعوی مستقل علیه ایران به‌وسیله این رژیم به استناد کنوانسیون نسل‌زدایی را به‌منظور خنثی‌سازی اقدام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و تحت تأثیر قرار دادن دعوی آفریقای جنوبی علیه این رژیم، مدنظر قرار داد.</p>
استناد	مومنی‌راد، احمد؛ موسوی‌فر، سیدحسین؛ سیدیان هاشمی، سروش (۱۴۰۵). ارتباط شناسایی ضمنی با ورود ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر ورود جمهوری اسلامی ایران به دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۶ (۱)، ۱۱۱ - ۱۳۰.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.375865.3523
DOI	10.22059/jplsq.2025.375865.3523
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

حمایت از مردم مظلوم فلسطین سیاست همیشگی جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بوده است. اگرچه حمایت حقوقی نیز جزئی از این سیاست محسوب می‌شود، تاکنون جز شرکت در جلسات رسیدگی شفاهی به پرسش مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص اشغال فلسطین که اواخر بهمن و اوایل اسفندماه ۱۴۰۲ برگزار شد، اقدام مؤثر حقوقی در جهت حمایت از فلسطین به عمل نیامده است، که علت اصلی آن این است که برخی تصور می‌کنند اقامه دعوا علیه رژیم صهیونیستی در مراجع قضایی بین‌المللی خدشه به موضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در عدم شناسایی رژیم صهیونیستی به عنوان دولت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است. توضیح اینکه، مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، فقط دولت‌ها هستند که می‌توانند در این دیوان طرف دعوا قرار گیرند، و اگر قرار باشد در این دیوان علیه این رژیم صهیونیستی اقامه دعوا شود، این کار به منزله شناسایی این رژیم به عنوان دولت خواهد بود. حتی اگر فرض شود که اقامه دعوا به خودی خود به معنای شناسایی صریح این رژیم نیست، اما به صورت ضمنی مبین شناسایی این رژیم است. دولت آفریقای جنوبی به تازگی دعوایی علیه رژیم صهیونیستی بر اساس کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی در دیوان بین‌المللی دادگستری به عمل آورده و مدعی است این رژیم با اعمال خود در نوار غزه از ۷ اکتبر به بعد تعهدات خود به موجب این کنوانسیون را نقض کرده است. مطابق اساسنامه دیوان، دولت‌ها می‌توانند به عنوان ثالث وارد دعوا شوند، که شرایط آن در اساسنامه و آیین دادرسی دیوان آمده است. تاکنون ۱۴ دولت تقاضای ورود ثالث در این دعوا بر اساس مواد ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را کرده‌اند که نیکاراگوئه به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه‌های دادرسی در دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست خود را پس گرفت. در این مقاله، تلاش می‌شود تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا ورود ثالث جمهوری اسلامی ایران به پرونده اعمال کنوانسیون نسل‌زدایی در نوار غزه (دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی) به مثابه اقامه دعوا به منزله شناسایی این رژیم به عنوان دولت است یا نه؟ فرضیه اولیه مقاله حاضر این است که صرف اقامه دعوا علیه رژیم صهیونیستی نمی‌تواند به معنای شناسایی ضمنی باشد، و به طریق اولی، ورود ثالث که در آن دولت وارد ثالث طرف دعوا محسوب نمی‌شود، نیز نمی‌تواند موجبات شناسایی را فراهم کند، به‌ویژه اگر ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری باشد.

مقاله حاضر در دو بخش به بررسی این موضوع می‌پردازد. از آنجایی که برای بررسی اثر ورود ثالث جمهوری اسلامی ایران به دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی نیازمند شناخت بهتر از شرایط شکلی و ماهوی ورود ثالث در دیوان بین‌المللی دادگستری، به‌ویژه با توجه به اصلاحات به عمل آمده در آیین

دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری است، بخش اول اختصاص به مسئله ورود ثالث در دعاوی ترافیعی در دیوان بین‌المللی دادگستری دارد. در این بخش، مقررات شکلی و ماهوی ورود ثالث به دعاوی ترافیعی در دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس مواد ۶۲ و ۶۳ اساسنامه این دیوان بررسی خواهد شد. اهمیت این بررسی این است که برای تعیین اینکه آیا ایران می‌تواند به‌عنوان ثالث وارد دعوا شود یا نه، می‌بایست شناخت کاملی از ورود ثالث در این دو ماده وجود داشته باشد. در بخش دوم، چگونگی ورود ثالث ایران به دعاوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی به صورت جداگانه بر اساس مواد ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری پرداخته می‌شود. برای یافتن پاسخ به این پرسش که ورود ثالث به دعاوی آفریقای جنوبی تا چه حد بر مسئله شناسایی تأثیرگذار است، در ابتدا به مسئله تأثیر اقامه دعوا بر شناسایی پرداخته شده و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا اقامه دعوا را می‌توان شناسایی ضمنی به حساب آورد یا نه، که این مستلزم این است که ابتدا مسئله شناسایی ضمنی بحث و بررسی شود. علاوه بر این، به این مسئله نیز پرداخته می‌شود که آیا ورود ثالث جمهوری اسلامی ایران به این پرونده با لحاظ جوانب مختلف مسئله ورود ثالث امکان‌پذیر است یا نه، و اگر رژیم صهیونیستی در صورت ورود ایران به‌عنوان ثالث، این ایراد را مطرح کند که به‌علت عدم شناسایی این رژیم به‌وسیله جمهوری اسلامی ایران، ورود ثالث به‌وسیله ایران غیرقابل استماع است، پاسخ احتمالی دیوان بین‌المللی دادگستری به آن چه خواهد بود.

۲. ورود ثالث به دعاوی ترافیعی در دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری برابر مواد ۶۲ و ۶۳ اساسنامه خود، این اجازه را به دولت‌های ثالث می‌دهد تا با احراز شرایطی به‌عنوان ثالث وارد یک دعوی ترافیعی در حال رسیدگی در دیوان شوند. ورود ثالث نهادی است که بیانگر نوعی انعطاف، تبعی بودن، احتیاطی بودن و نیز کارکرد ترافیعی آن است (الهیوی نظری، ۱۳۹۴: ۶۶۹) ورود ثالث متفاوت با تأسیس دوست دادگاه^۱ است که کارکرد آن حمایت از منافع آن دوست نیست. این تأسیس فرصتی برای سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی است که می‌خواهند اطلاعات یا تجارب تخصصی خود را که ماهیتی عمومی یا خصوصی دارد، در اختیار دیوان بین‌المللی دادگستری قرار دهند (Papadaki, 2018: Para. 2)

دیوان بین‌المللی دادگستری به دو شکل اجازه ورود ثالث را به دولت‌ها می‌دهد. دولت‌ها حتی اگر عضو اساسنامه نباشند هم به شرط دارا بودن شرایط دولت بودن طبق حقوق بین‌الملل می‌توانند در دادرسی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری شرکت کنند (میرعباسی، ۱۳۸۲: ۱۹۹). مطابق ماده ۶۲ اساسنامه که در آن دولت‌ها این مجال را می‌یابند تا در صورتی که بر این نظر باشند که دارای منافع

حقوقی است که تصمیم دیوان در یک دعوا بر آن تأثیر می‌گذارد، می‌تواند به‌عنوان ثالث وارد دعوا شوند. شایان اشاره است که متن فرانسوی این ماده با متن انگلیسی آن این تفاوت را دارد که در متن فرانسوی این اصطلاح ذکر شده است «منافع دولت ثالث در خطر باشد»^۱، که این مسئله از متن انگلیسی آن که اشعار داشته «منافع حقوقی دولت ثالث تحت تأثیر قرار گیرد»^۲، موسع‌تر است، چراکه «در نسخه فرانسوی به شیوه‌هایی که منافع دولت ثالث تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به «تصمیم دیوان» به‌عنوان منبع تأثیرگذاری اشاره‌ای نشده است» (Miron & Chinkin, 2019a : 1691, Para. 10).

دولت متقاضی ورود ثالث بر اساس ماده ۶۲ می‌بایست درخواست ورود را به دیوان تقدیم کند تا دیوان درباره آن تصمیم بگیرد. دومین حالت ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ دیوان بین‌المللی دادگستری است که دولت‌های عضو یک معاهده چندجانبه بین‌المللی که خواهان ارائه تفسیر خود از معاهده موردنظرند، درخواست ورود دارند. اگرچه همان‌طور که خواهیم دید، تفاوت‌هایی میان ورود ثالث بر اساس مواد ۶۲ و ۶۳ وجود دارد، اما وجه مشترک هر دو این است که متقاضیان ورود ثالث منافع چندجانبه‌ای در دعوا دارند که ماهیت حقوقی دارد (Papadaki, 2018: Para. 9). در حالت اول، دعوایی میان دو طرف در جریان است که مبنای صلاحیتی آن شرط حل‌وفصل اختلاف مندرج در یک معاهده چندجانبه یا اعلامیه اختیار پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری است که دولت متقاضی ورود ثالث در خصوص وقایع مرتبط با دعوا یا حقوق حاکم بر آن (معاهده یا حقوق بین‌الملل عرفی) دارای منافی است که ممکن است متأثر از دعوا باشد. این در حالی است که در ورود ثالث مطابق ماده ۶۳ مسئله متفاوت است و منفعت دولت فقط مربوط به تفسیر یک معاهده چندجانبه بین‌المللی است.

۲.۱. ورود ثالث بر اساس ماده ۶۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری

مواد ۸۱ تا ۸۶ آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری به مسئله ورود ثالث اختصاص دارد. درخواست ورود ثالث مطابق ماده ۶۲ اساسنامه دیوان، می‌بایست در اسرع وقت و تا قبل از پایان زمان تبادل لوائح میان دو طرف انجام پذیرد. هرچند آیین دادرسی دیوان، در شرایط خاص، ورود ثالث بعد از این مهلت را ممکن است قبول کند. تا پیش از این، این مهلت تا پایان ارائه لایحه خوانده بود، اما بر اساس اصلاحات جدید، در صورتی که دیوان ارائه لوائح کتبی دیگری را صادر کند یا دعوای متقابلی اقامه شود، مهلت ورود ثالث تا قبل از تاریخ تعیین شده برای این موارد خواهد بود.

جالب توجه است که دیوان با توجه به ورود ثالث ۳۲ کشور در قضیه مربوط به نسل‌کشی (دعوای اوکراین

1. un intérêt d'ordre juridique est pour lui en cause
2. an interest of a legal nature which may be affected

بر ضد روسیه) تغییراتی را در این خصوص اعمال کرده است، که از اول ژوئن ۲۰۲۴ اجرایی شده است. بر اساس تغییرات انجام‌شده، دولت‌های متقاضی ورود ثالث در مرحله ایرادات اولیه، تا قبل از پایان مهلت ارائه ایرادات اولیه و ملاحظات مربوط به آن از سوی طرفین فرصت دارند تا درخواست ورود خود به‌عنوان ثالث را در دعوا ارائه کنند (Amendments to Articles 81, 82 and 86 of the Rules of Court, 2024).

از زمان تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری تاکنون، در ۱۰ پرونده درخواست ورود ثالث بر اساس ماده ۶۲ مطرح شده است، که از میان آنها، فقط سه درخواست ورود ثالث مورد پذیرش قرار گرفته است که شامل درخواست نیکاراگوئه برای ورود به اختلاف سرزمینی و دریایی و جزایر، درخواست گینه استوایی در قضیه اختلاف سرزمینی و دریایی کامرون و نیجریه و درخواست ورود ثالث یونان در قضیه مصنویت‌های صلاحیتی است. دیوان درخواست چهار کشور در درخواست بررسی وضعیت مطابق بند ۶۳ رأی آزمایش‌های هسته‌ای را غیرقابل استماع دانسته و درخواست‌های دیگر را کامل رد کرده است.

همین که دیوان اکثریت این درخواست‌ها را رد کرده است نشان می‌دهد این مرجع قضایی بین‌المللی در بررسی درخواست ورود ثالث مطابق ماده ۶۲ حاشیه صلاحدید گسترده‌ای دارد. این حاشیه صلاحدید گسترده بدین معناست که ورود ثالث حق دولت‌ها نیست (Miron & Chinkin, 2019a: 1697, Para. 28) رویه دیوان در بررسی ورود ثالث نشان می‌دهد که دولت‌ها کار سختی برای اثبات اینکه در یک دعوا دارای منفعت حقوقی‌اند در پیش دارند. ممکن است در یک دعوا، دولتی دارای منافع حقوقی باشد، اما این مسئله را باید در نظر گرفت که این منفعت حقوقی باید به‌نحوی باشد که دیوان را مجاب به پذیرش درخواست ورود ثالث کند. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری حاکی از این است که دولتی که می‌خواهد ورود ثالث نماید، یا طرف دعوا قرار خواهد گرفت یا نه (ICJ Reports, 1990: Para.99) و اعتبار امر مختوم در مورد وارد ثالث نیز اعمال خواهد شد (ICJ Reports, 1992: Para.424). در دعوایی که میان دو دولت در جریان است و آنها درباره حقوق بین‌الملل عرفی حاکم بر یک موضوع خاص اختلاف دارند، بدیهی است رأی دیوان بین‌المللی دادگستری و آنچه این مرجع قضایی در خصوص عرف بگوید، در عمل برای دیگر کشورها به دلیل جایگاه ویژه دیوان در شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از اهمیت بسزایی برخوردار است. اما این نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای دیوان به‌منظور قبول درخواست ورود به ثالث این کشورها باشد. علاوه بر این، باید این مسئله را در نظر داشت ممکن است طرفین دعوا به ورود ثالث یک دولت به دعوی‌شان رضایت نداشته باشند و همین مسئله می‌تواند در پذیرش درخواست ورود ثالث توسط دیوان مؤثر باشد. به جز درخواست ورود ثالث نیکاراگوئه در قضیه اختلافات سرزمینی، دریایی و جزایر، در بقیه درخواست‌های ورود ثالث مورد قبول قرار گرفته توسط دیوان، طرفین معترض به حضور دولت ثالث نبودند. نیکاراگوئه معتقد بود نه فقط دارای منافع حقوقی در این

دعواست، بلکه باید به‌عنوان طرف ثالث اجتناب‌ناپذیر^۱ وارد دعوا شود. دیوان پس از بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که نیکاراگوئه اگرچه در بخشی از این دعوا دارای منافع حقوقی است، اما این منافع به‌گونه‌ای نیست که ورود آن دولت به‌عنوان ثالث اجتناب‌ناپذیر را توجیه کند. به این ترتیب، ورود ثالث نیکاراگوئه در این دعوا تحت ماده ۶۲ اساسنامه مورد پذیرش قرار گرفت (ICJ Reports, 1990: 56-73 Para.). البته باید توجه داشت در جایی که دعوایی به‌دلیل نقض تعهدات عام‌الشمول علیه دولتی اقامه شده باشد، با توجه به ذی‌نفع بودن تمامی دولت‌ها، هر دولتی می‌تواند بر اساس ماده ۶۲ به‌عنوان ثالث وارد دعوا شود که دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی به‌دلیل نقض تعهدات موجود در کنوانسیون نسل‌زدایی که عام‌الشمول هستند (Order of ICJ, 2024: Para.35) از جمله آنهاست. نکته مهم در اینجا تفاوت ویژه میان دعوی آفریقای جنوبی بر ضد رژیم صهیونیستی با قضیه اختلافات سرزمینی، دریایی و جزایر است. در اینجا با توجه به وجود قواعد عام‌الشمول مربوط به پیشگیری و مجازات نسل‌زدایی، تمامی دولت‌های عضو دارای نفع حقوقی‌اند و می‌توانند بر اساس ماده ۶۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری وارد دعوا شوند و طرف دعوا قرار گیرند؛ چراکه این تعهدات در برابر تمامی کشورهاست و همه کشورها موظف به همکاری برای پایان دادن به آن هستند و اقامه دعوا علیه دولت ناقض این تعهدات نیز مصداقی از این همکاری است (DASR, 2001: Article 41). یونان در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی میان آلمان و ایتالیا، هرچند نمی‌توانست به استناد اصل مسکوکات طلا وارد دعوا شود، اما به‌دلیل آرای که خواهان‌های ایتالیایی در دادگاه‌های این کشور به‌دست آورده بودند و می‌خواستند در دادگاه‌های ایتالیا علیه آلمان اجرا کنند، دارای منفعت حقوقی قابل قبول برای ورود ثالث تشخیص داده شد (ICJ Reports, 2011: Para.32).

در پایان، گفتنی است هرچند در ماده ۸۱ یکی از شرایط ورود ثالث، وجود مبنای صلاحیتی است، اما از آنجایی که دولت متقاضی ورود ثالث در عمل طرف دعوا به حساب نمی‌آید، وجود مبنای صلاحیتی میان متقاضی ورود ثالث و طرفین دعوا برای احراز قابلیت استماع دعوا لازم نیست.

۲.۲. ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری

ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ دیوان تفاوت‌های آشکاری با ورود ثالث بر اساس ماده ۶۲ دارد. بر خلاف ماده ۶۲ که ورود ثالث در آن حق دولت‌ها نیست، ورود ثالث دولت‌ها بر اساس ماده ۶۳ حق دولت‌هاست، چراکه هر دولتی که عضو معاهده‌ای است که دولت‌هایی بر اساس آن دعوایی در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرده‌اند، می‌تواند از حق خود برای ورود ثالث استفاده کند. در چنین قضایایی، در واقع

1. Indispensable Third Party

فرض بر این است که منفعت حقوقی خاص وجود دارد (بیگ‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۵۶). به عبارت دیگر، همین که یک دولت عضو معاهده چندجانبه بین‌المللی است که قرار است در خصوص تفسیر آن در دیوان بین‌المللی دادگستری رسیدگی صورت بگیرد، کافی است تا منفعت حقوقی برای دولت‌های ثالث وجود داشته باشد (Miron & Chinkin, 2019b: 1747, Para. 9). ورود ثالث در ماده ۶۳ بر خلاف ماده ۶۲ با صدور اعلامیه و نه دادخواست صورت می‌گیرد.

بر خلاف ورود ثالث بر اساس ماده ۶۲، تعداد درخواست ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ بسیار کم است. تاکنون در پنج پرونده در دیوان بین‌المللی دادگستری، ذیل درخواست ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ صورت گرفته است، که دیوان به جز درخواست چهار کشور در آزمایش‌های هسته‌ای که به دلیل رد دعوی نیوزیلند علیه فرانسه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری سالبه به انتفای موضوع شد (ICJ Reports, 1995: Para. 60-67)، درخواست ورود ثالث بقیه را پذیرفت.

دیوان همانند ماده ۶۲، باید در خصوص درخواست ورود ثالث مطابق ماده ۶۳ نیز تصمیم بگیرد. دیوان بارها اشاره کرده است که ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ حق دولت‌هاست، اما این دیوان است که باید تصمیم بگیرد آیا این درخواست شرایط لازم برای قابلیت استماع را دارد یا نه (ICJ Report, 2013). علاوه بر این، باید توجه داشت با توجه به اصلاحات جدید اعمال شده در آیین دادرسی دیوان که از اول ژوئن ۲۰۲۴ اجرایی شده است، دیوان در خصوص امکان ارائه نظره‌های دولت‌های متقاضی ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ در جلسات رسیدگی شفاهی به پرونده موردنظر، تصمیم‌گیری خواهد کرد (Amendments to Articles 81, 82 and 86 of the Rules of Court, 2024). این حالی است که سابق بر این، با پذیرش درخواست ورود ثالث یک دولت طبق ماده ۶۳، این دولت این اجازه را داشت تا در جلسات رسیدگی شفاهی به پرونده شرکت کرده و نظره‌های خود را ارائه کند. یکی از این شرایط قابلیت استماع این است که دولت متقاضی ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ نباید بر آن دسته از مواد معاهده چندجانبه بین‌المللی شرط گذاشته باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قرار صادره خود در خصوص درخواست ورود ثالث ۳۲ کشور به قضیه اعمال کنوانسیون نسل‌کشی (دعوی اوکراین بر ضد روسیه)، درخواست ورود ایالات متحده آمریکا به عنوان ثالث را در مرحله ایرادات اولیه، به این دلیل که این دولت بر ماده ۹ کنوانسیون شرط وارد کرده است، رد کرد (Admissibility of the Declarations of Intervention, 2023: Para. 90-98). وارد ثالث در چارچوب ماده ۶۳، ملزم به تفسیر ارائه شده در دعوا خواهد بود. دیوان در قضیه شکار نهنگ معتقد است: نیوزیلند در اعمال حق خود برای ورود ثالث، مطابق بند ۲ ماده ۶۳ اساسنامه به تفسیر کنوانسیون که دیوان در رأی آن را ارائه می‌دهد ملزم خواهد بود (ICJ Reports, 2013: Para. 20).

منفعت کلیدی ورود ثالث فرصتی است که به دولت متقاضی ورود می‌دهد تا دیوان را از منفعتی که

در دعوا دارد مطلع سازد (Aw, 2024: 232). در اینکه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری برای وارد ثالث الزام‌آور است شکی نیست. در حقیقت، الزام‌آور و نهایی بودن تصمیم دیوان هم سبب حل اختلاف و هم ثبات در روابط بین‌الملل و اجرای عدالت برای طرفین خواهد بود (Merills and De Brabandere, 2022: 18-20). این تأکید بر الزام‌آور بودن تفسیر برای وارد ثالث، از این روست که اصل اعتبار امر مختومه^۱ فقط در رابطه با طرفین دعوا و ادعاهای آنان و مربوط به بخش اجرایی رأی^۲ اعمال می‌شود. همین مسئله سبب می‌شود تا ورود ثالث در ماده ۶۳ جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. ماده ۶۳ اساسنامه دیوان پیش‌بینی کرده که دیوان معاهدات را به شکل یکنواختی تفسیر می‌کند تا وضعیت دولتهایی که طرف دعوا نیستند به خطر نیفتد (Miron & Chinkin, 2019b:1770, Para. 64). این الزام‌آور بودن تفسیر برای وارد ثالث به این معناست که در آینده این دولت نمی‌تواند در دعوایی که بر اساس همین معاهده اقامه شود، بدون در نظر گرفتن اینکه خواهان یا خوانده باشد، تفسیری متفاوت از معاهده مذکور ارائه کند. اما دیگرانی هستند که معتقدند الزام‌آور بودن تفسیر معاهده برای وارد ثالث، مسئله‌ای نسبی است. قاضی گاجا^۳ در اعلامیه خود در خصوص ورود ثالث نیوزیلند در قضیه شکار نهنگ در قطب جنوب این‌گونه به این مسئله اشاره می‌کند:

بر اساس اساسنامه دیوان «آن تفسیر... برای وارد ثالث به شکل برابر الزام‌آور است». این گفته نمی‌تواند بدین معنی باشد که فقط وارد ثالث ملزم است. این مقرر متعادل نیست و وارد ثالث را تنبیه خواهد کرد. با گفتن اینکه وارد ثالث به شکل برابری ملزم است و با اشاره بند ۲ ماده ۶۲ و در خصوص تفسیر کنوانسیون، وارد ثالث در برابر طرفین دعوا دارای الزام است و طرفین نیز در قبال وارد ثالث دارای الزام خواهند بود (ICJ Reports, 2013: Para.41-42).

نباید فراموش کرد که دیوان همواره نشان داده که به تفسیری که از یک معاهده در دعوایی ارائه می‌دهد، در دعوی بعدی که بر اساس همان معاهده مطرح شود، وفادار است و بسیار بعید است که از آن عدول کند. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که حتی اگر بپذیریم که وارد ثالث صرفاً در چارچوب دعوا و در قبال طرفین ملتزم به تفسیر کنوانسیون است، در صورتی که بخواهد علیه دولتی دیگر بر اساس همان معاهده اقامه دعوا کند، نباید انتظار داشته باشد دیوان تفسیری متفاوت از رویه قبلی خود، ارائه کند.

-
1. Res Judicata
 2. Dispositive
 3. Gaja

۳. تأثیر ورود ثالث جمهوری اسلامی ایران به دعوای آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی بر مسئله شناسایی ضمنی

دولت آفریقای جنوبی در ۲۹ دسامبر ۲۰۲۳ دعوایی را علیه رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی به ثبت رساند. آفریقای جنوبی در دادخواست خود با اشاره به دولت بودن رژیم صهیونیستی و محکوم کردن حملات گروه‌های مقاومت رخ داده در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، با استناد به اینکه تعهدات مندرج در کنوانسیون نسل‌زدایی تعهدات عام‌الشمول است و هر دولتی می‌تواند از دولت‌های دیگری اجرای آن را مطالبه کند، از دیوان درخواست صدور دستور موقت به منظور پایان عملیات نظامی رژیم صهیونیستی در نوار غزه کرد. دیوان در دستور موقت خود اگرچه درخواست صدور دستور برای پایان عملیات نظامی رژیم صهیونیستی را نپذیرفت، اما دستورهای مهمی برای حفاظت مردم نوار غزه از نسل‌زدایی صادر کرد (Application of the Convention of the Crime of Genocide in the Gaza Strip, 2024: Para.86). برخی دولت‌ها ضمن حمایت از دستور موقت دیوان، آمادگی خود برای ورود ثالث به این دعوا اعلام کردند. حال پرسش این است که آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌عنوان ثالث با توجه به ملاحظه‌های مربوط به شناسایی وارد دعوا شود؟

۱.۳. ورود ثالث احتمالی جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده ۶۲ اساسنامه

همان‌طور که گفته شد، یکی از انواع ورود ثالث، ورود به‌عنوان طرف دعواست. دولت فلسطین در تقاضای ورود ثالث به دعوای آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی، تقاضا نموده که به‌عنوان طرف دعوا وارد شود. ممکن است گفته شود همین که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان طرف دعوا در مقابل رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی دادگستری وارد شود، خود به‌منزله شناسایی ضمنی است. حتی ممکن است رژیم صهیونیستی با طرح این استدلال که دولت جمهوری اسلامی ایران این رژیم را شناسایی نکرده، ورود ثالث ایران را غیرقابل قبول بداند و از دیوان بخواهد تا با درخواست ایران مخالفت کند. در ابتدای امر باید توجه داشت شناسایی دولت لزوماً به‌صورت صریح نیست، بلکه در شرایط خاصی ممکن است این کار به‌صورت ضمنی انجام شود. کنوانسیون ۱۹۳۳ مونته‌ویدئو تصریح می‌کند که شناسایی به دو صورت صریح یا ضمنی صورت می‌گیرد (Convention on Rights and Duties of States, 1933, Article 33). شناسایی ضمنی ناشی از اعمالی است که بر قصد بر شناسایی دولت جدید دلالت دارد. همین سادگی شناسایی غیرمستقیم یا ضمنی است که سبب می‌شود تا دولت‌ها با اعلامیه‌ای دائر بر اینکه یک عمل خاص دلالت بر شناسایی نیست، صادر می‌کنند (Shaw, 2017: 343). از جمله مواردی که ممکن است دلالت بر شناسایی ضمنی کنند عبارت‌اند از: ۱. ارسال پیام تبریک به

دولت جدید، ۲. انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه. گفته می‌شود پذیرش یک دولت در سازمان ملل متحد دلالت بر شناسایی نمی‌کند؛ چراکه رأی به عضویت در سازمان ملل متحد که با توصیه شورای امنیت و تصمیم مجمع عمومی صورت می‌گیرد یک عمل جمعی است و دلالت بر شناسایی صریح آن دولت نمی‌شود، که عملی فردی است (The UN Security Council, 1950: 357). به طریق اولی، با توجه به عضویت خودبه‌خود دولت‌های عضو منشور در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز عضویت در این اساسنامه نیز به معنای شناسایی نیست. رأی مثبت یک دولت به پذیرش یک دولت در سازمان ملل متحد می‌تواند شناسایی ضمنی^۱ محسوب شود (Shaw, 2017: 344). شناسایی زمانی ضمنی است که بتوان از برخی وقایع که پیش شرط قبول یک وضعیت حقوقی باشد، این طور استنباط کرد که یک دولت، دولت دیگر را شناسایی کرده باشد (Kilibarda, 2024: 37). از جمله مصادیق این نوع شناسایی با شکایت به مراجع قضایی بین‌المللی است؛ چراکه به نظر می‌رسد که رجوع به مراجعی که شرط رجوع به آنها دولت بودن باشد، بتواند به نوعی شناسایی منجر شود (بیگزاده، ۱۴۰۱: ۵۷۸).

اما باید این را در نظر گرفت که لزوماً عضویت در سازمان ملل متحد، دلالت بر دولت بودن و شناسایی آنها ندارد، کما اینکه بلاروس، هند و اوکراین قبل از استقلالشان عضو سازمان ملل متحد شدند (Kilibarda, 2024: 47). در خصوص عضویت ناظر فلسطین در سازمان ملل متحد، برخی دولت‌ها مانند بلژیک، فرانسه یا سوئیس اظهار کردند که این رأی آنها به معنای شناسایی فلسطین به عنوان دولت نیست (UNGA, 2012: 15-16). قاعداً می‌توان فرض کرد که عضویت در یک سازمان بین‌المللی منحصراً برای دولت‌هاست یا مشمول آیین‌هایی است که در مورد دولت‌ها صادق است، رأی مثبت به آن به معنای شناسایی ضمنی است، مگر اینکه دولت‌ها چیز دیگری مقرر کرده باشند (Kilibarda, 2024: 48). به طریق اولی، این مسئله شامل اقامه دعوا در مراجع قضایی بین‌المللی که به اختلاف میان دولت‌ها رسیدگی می‌کند نیز می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که این کار زمانی شناسایی ضمنی آن دولت محسوب می‌شود که دولت خواهان که خوانده را پیش از این شناسایی نکرده است، به صراحت بیان کند که این دعوا به منزله شناسایی نیست. در این حالت، دولت خواهان دعوا می‌بایست در دادخواستی که به آن مرجع قضایی بین‌المللی ارائه می‌کند و نیز در لوایح و جلسات رسیدگی بر این مسئله تأکید ورزد. در حقیقت، شناسایی چه صریح باشد، چه ضمنی بدون وجود عنصر رضایت محقق نمی‌شود (عابدینی و ابراهیم گل، ۱۴۰۳: ۱۴۱). در حقوق بین‌الملل، شناسایی یک امر سیاسی صلاح‌دیدنی است که صرفاً با رضایت صریح دولت‌ها محقق می‌شود، درحالی‌که اقامه دعوا یک امر حقوقی است که در آن یک موجودیت فارغ از اینکه به عنوان یک دولت شناسایی شود یا نشود،

به دلیل تعهداتی که در حقوق بین‌الملل دارد بازخواست می‌شود. رویه دولت‌ها هم نشان می‌دهد که آنها برخی موجودیت‌هایی را که به‌عنوان دولت شناسایی نمی‌کنند اقامه دعوا کرده و این کار آنها خدشه‌ای به موضع آنها دال بر عدم شناسایی وارد نکرده است. برای مثال می‌توان به دعاوی که جمهوری خلق چین علیه تایوان اقامه کرده است اشاره کرد (Hsieh, 2006: 810-813).

حال با توجه به آنچه گفته شد، این پرسش پیش می‌آید که آیا اقامه دعوا جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی دادگستری، دال بر شناسایی می‌کند؟

در ابتدا باید گفت که حتی با انحلال جامعه ملل در سال ۱۹۴۶، قیمومت بریتانیا بر سرزمین فلسطین تا صدور قطعنامه ۱۸۱ همچنان ادامه داشته است؛ چراکه مطابق ماده ۲۸ سند قیمومت فقط استقلال است که پایان‌بخش این قیمومت خواهد بود (UNTS, 1945: 237) و گفته می‌شود قیمومت سازمان ملل متحد به معنای خاتمه ضمنی قیمومت بریتانیا بر فلسطین است (Quigley, 2021: 143). بریتانیا اعلام کرد که قصد دارد تا در اول آگوست ۱۹۴۸ که بعدها به ۱۵ می ۱۹۴۸ تغییر یافت، به قیمومت خود خاتمه دهد (ICJ, 2024: Para.52). کمیته ویژه ملل متحد درباره فلسطین^۱ تشکیل شده که در گزارش خود طرح تقسیم فلسطین را پیشنهاد کرد (UNSCOP, 1947). مجمع عمومی در قطعنامه شماره ۱۸۱ با اشاره به این طرح، اجرایی شدن آن را پیشنهاد کرد. در این طرح، با اعلام اینکه قیمومت بریتانیا در اول آگوست ۱۹۴۸ خاتمه خواهد یافت، برنامه‌ای برای تشکیل حکومت در سرزمین فلسطین پیشنهاد شد (UNGA, 1947). رژیم صهیونیستی در ۱۴ می ۱۹۴۸ با استناد به این قطعنامه استقلال خود را اعلام کرد (ICJ, 2024: Para.53). مفاد این قطعنامه الزام‌آور نبوده و شکافی در نظم حقوقی بین‌المللی جدید بوده و چالشی برای حاکمیت قانون به حساب می‌آمد که در منشور ملل متحد به آن اشاره شده است (Imseis, 2023: 145).

چالش در مسئله شناسایی این بوده است که دولت‌ها و دکتربین در حقوق بین‌الملل میان الزامات شناسایی یک موجودیت به‌عنوان یک دولت و شناسایی دولت که پیش‌نیاز برقراری روابط دیپلماتیک است، به‌روشنی تفکیک قائل نمی‌شوند (Talmon, 2005: 108). اگرچه همان‌طور که می‌دانیم، شناسایی دولت‌ها به دو دسته کلی تأسیسی و اعلامی تقسیم می‌شود که وجه مشترک آنها این است که هر دو تلاش می‌کنند تا این مسئله را تبیین کنند که آیا شناسایی لازمه ایجاد شخصیت حقوقی برای دولت جدید است یا اینکه شناسایی صرفاً نتیجه شخصیت بین‌المللی است (Kaczorowska, 2024: 202). بر اساس نظریه تأسیسی، یک موجودیت می‌تواند همه ویژگی‌های دولت بودن را دارا باشد، مگر اینکه شناسایی توسط دولت‌های دیگر انجام شود وگرنه نمی‌تواند شخصیت بین‌المللی داشته باشد. بنابراین، با

1. United Nations Special Committee for Palestine (UNSCOP)

شناسایی است که دولت جدیدی به وجود می‌آید. اما مطابق نظریه اعلامی، شناسایی یک مسئله شکلی است. دولت‌ها به‌عنوان یک مسئله موضوعی هستند و اعطای شناسایی صرفاً اذعان به این حقیقت است (Kaczorowska, 2024: 202). در دومی، دولتی شرایط فوق را دارد، اما بنا به دلایلی که ممکن است سیاسی باشد، شناسایی نمی‌شود.

مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، فقط دولت‌ها هستند که می‌توانند به این مرجع قضایی رجوع کنند (ICJ Statute, 1945: Article 35)، اما در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که این دو نظریه بتواند مسئله شناسایی را توضیح دهد؛ چراکه «با بررسی عملی و شیوه‌های ایجاد و استقرار دولت‌های جدید در چهارصد سال گذشته می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ‌کدام از نظریه‌های مذکور به‌تنهایی نمی‌تواند تبیین‌کننده چگونگی تأسیس و جانشینی دولت‌ها باشد» (عزیزی، ۱۴۰۰: ۲۰۰) و دیوان بین‌المللی دادگستری این دولت بودن را به شکل عینی و بدون توجه به مواضع طرفین در خصوص دولت بودن طرف مقابل بررسی می‌کند (Zimmermann, 2019: Para. 42). دیوان در رأی خود در خصوص ایرادات اولیه در قضیه قانونی بودن توسل به زور (دعوی صربستان و مونته‌نگرو علیه بلژیک) تصریح کرد که تعیین اینکه آیا طرفین دعوا امکان رجوع به دیوان را به‌عنوان عضو اساسنامه دارند، بدون توجه به دیدگاه‌های طرفین انجام می‌شود (ICJ Reports, 2004: Para.36) علاوه بر این، باید توجه داشت دولتی که به هر دلیل توسط دولت‌های دیگر شناسایی نشده، می‌تواند توسط دولت‌های دیگر به دلیل نقض حقوق بین‌الملل خطاب قرار گیرد و به معنای شناسایی تلقی نشود. برای مثال اسرائیل همواره به دلیل نقض حقوق بشر و بشردوستانه توسط دولت‌های عرب که آن را هنوز به رسمیت نمی‌شناسند تحت فشار است، و این تحت فشار قرار دادن نمی‌تواند شناسایی تلقی شود (Craven & Parfitt, 2018: 207).

در قضیه اعمال کنوانسیون نسل‌زدایی (دعوی بوسنی و هرزگوین علیه صربستان)، دولت خواننده بر این نظر بود که ادعاهای بوسنی درباره نقض کنوانسیون نسل‌زدایی قابل استماع نیست، چراکه طرفین یکدیگر را به‌عنوان دولت به رسمیت نشناخته‌اند. دیوان این استدلال را به این دلیل رد کرد که شناسایی با انعقاد پیمان دیتون انجام شده است، و هر نقضی در دعوا صرفاً شکلی است که طرح کردن مجدد دعوا جبران‌شدنی است (ICJ Reports, 1996: Para.26). به این ترتیب، «به نظر می‌رسد اینکه دولت‌های طرف دعوا یکدیگر را شناسایی نکرده‌اند یا یکی دیگری را شناسایی نکرده باشد، مانع اعمال صلاحیت دیوان در دعوا نخواهد بود؛ مگر اینکه پاسخ به مسئله‌ای در مرحله صلاحیت، قابلیت پذیرش، دستور موقت، ایرادات مقدماتی یا در مرحله ماهوی چنان پیوندی با موضوع شناسایی داشته باشد که دیوان چاره‌ای جز ورود به موضوع شناسایی نداشته باشد» (عابدینی و ابراهیم گل، ۱۴۰۳: ۱۴۴).

به این ترتیب، دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بدون شناسایی رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک دولت به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کند و به موضعی خدشه‌ای وارد نخواهد شد. اما باید این

مسئله را در نظر گرفت که چه‌بسا رژیم صهیونیستی برای تلافی تصمیم بگیرد علیه ایران با این ادعا که جمهوری اسلامی ایران قصد نابودی ساکنان یهودی سرزمین‌های اشغالی فلسطین را دارد بر اساس کنوانسیون نسل‌زدایی مبادرت به اقامه دعوی جداگانه کند، که این مسئله سبب تحت تأثیر قرار گرفتن اقدام حقوقی ایران شود. اگرچه باید توجه داشت که رژیم صهیونیستی با این دعوا در بلندمدت راه به جایی نمی‌برد؛ چراکه این رژیم می‌بایست قصد خاص را در چنین دعوی اثبات کند که این کار در عمل ممکن نیست. علاوه بر این، باید این مسئله را هم در نظر گرفت که صرف اظهارنظر از سوی برخی مقام‌های دولتی بدون اقدام عملی نمی‌تواند اثبات‌کننده قصد نسل‌زدایی باشد (Pisillo Mazzeschi & Carli, 2024: 432)، اما صرف اقامه دعوا علیه ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری و اشاعه رسانه‌ای آن ممکن است حمایت ایران از فلسطین را تحت تأثیر قرار دهد.

۳.۲. ورود ثالث ایران به دعوی آفریقای جنوبی و مسئله شناسایی

در ورود ثالث بر اساس ماده ۶۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، برخلاف ورود ثالث بر اساس ۶۲ همین اساسنامه، دولتی که وارد ثالث است اساساً طرف دعوا محسوب نمی‌شود که مسئله شناسایی مطرح باشد. علاوه بر این، ورود ثالث در چارچوب ماده ۶۳ با صدور اعلامیه است و دادخواستی به دیوان ارائه نمی‌شود. در خصوص ورود ثالث به دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی، تاکنون ۱۳ دولت فلسطین و بلژیک (که تقاضای ورود ثالث توأمان بر اساس مواد ۶۲ و ۶۳ را به دیوان ارائه کرده‌اند)، برزیل، کلمبیا، لیبی، مکزیک، اسپانیا، ترکیه، شیلی، مالدیو، بولیوی، کوبا و ایرلند (بر اساس ماده ۶۳) به‌عنوان ثالث تقاضای ورود به دعوا را کرده‌اند (See <https://icj-cij.org/case/192/intervention>). نکته‌ای که در اینجا باید مدنظر قرار گیرد این است که ایران در صورت ورود ثالث به دعوی آفریقای جنوبی بر اساس ماده ۶۳، هرچند قرار است تفسیر خود را از مواد موردنظر کنوانسیون ارائه مدهد، ولی این کار را نمی‌تواند بدون پرداختن به وقایع مرتبط با دعوا ارائه کند (See For Example: Declaration of Intervention of UK, 2022). دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس اصل تناظر در دعوا، به خواهان و خوانده اعلامیه ایران را ابلاغ می‌کند و به آنها این فرصت را می‌دهد تا نظرهای کتبی خود را در زمان تعیین‌شده توسط دیوان در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش ورود ثالث اعلام کنند (ICJ Rule of

۱. این دولت‌ها به این دلیل که عضو کنوانسیون نسل‌زدایی هستند و معتقدند تفسیری که در این کنوانسیون ارائه خواهد شد بر آنها تأثیرگذار است، خواهان ارائه تفسیر خود از مواد مختلف کنوانسیون هستند.

10; Declaration of Columbia, 2024: para.25; Declaration of Spain, 2024: paras.12-15; Declaration of Turkiye, 2024: paras.32-35; (Declaration of Belize, 2025: paras. 34-40 and 45-47; Declaration of Ireland, 2025: paras.12-13; Déclaration de la Cuba, 2025: para.34-41, Declaration of Brazil, 2025: paras.6-9)

Courts, 1974: Article 83). این نظرها اگرچه به وسیله دیوان بین‌المللی دادگستری مدنظر قرار می‌گیرد، اما در نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد؛ چراکه دیوان تصمیم خود را در خصوص ورود ثالث بر اساس اساسنامه و اجرای عدالت می‌گیرد (Miron & Chinkin, 2019a: 1730, Para. 119).

به این ترتیب، حتی با اینکه هیچ تقابلی در ظاهر میان ایران و رژیم صهیونیستی وجود ندارد، اما رژیم صهیونیستی این فرصت را دارد تا به تفسیر ایران در کنوانسیون پاسخ دهد و به این ترتیب، چنین تقابلی شکل خواهد گرفت. این مسئله را هم باید در نظر گرفت که در این مرحله اگر رژیم صهیونیستی مطالبی را تحت عنوان تفسیر کنوانسیون یا هر مطلب دیگری علیه ایران مطرح کند، دیگر فرصتی برای پاسخگویی ایران وجود نخواهد داشت.

صرف‌نظر از موارد گفته‌شده، در اقامه دعوا علیه یک دولت یا ورود ثالث به یک دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری، به دلیل منافع سیاسی که یک دولت می‌تواند از این کار انتظار داشته باشد، می‌بایست به این مورد توجه کند که این قبیل اقدام‌ها به چه عکس‌العملی از طرف مقابل منجر می‌شود و تا چه حد اقدام حقوقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در خصوص اقدام احتمالی ایران برای ورود ثالث به دعوی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی، عکس‌العمل این رژیم و سایر موارد تبعی، می‌بایست به موارد زیر اشاره کرد:

الف) بر اساس آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری امکان دعوی متقابل علیه دولت ثالث وجود ندارد، اما همان‌طور که در خصوص ورود ثالث ایران بر اساس ماده ۶۲ گفته شد، این امکان همواره وجود دارد که رژیم صهیونیستی با این ادعا که دولت جمهوری اسلامی ایران با دنبال کردن سیاست نابودی این رژیم در پی نسل‌زدایی یهودیان مستقر در فلسطین است، بخواهد علیه ایران اقامه دعوا کند.

ب) اساساً قرار است ایران چه تفسیری از کنوانسیون نسل‌زدایی داشته باشد که دیگر دولت‌های وارد ثالث نخواهند داشت. به عبارت دیگر، ارائه تفسیر موردنظر جمهوری اسلامی ایران درحالی‌که دیگر کشورهای وارد ثالث همین تفسیر را داشته باشند، کمک ویژه‌ای به دعوا نمی‌کند.

ج) با توجه به اصلاحات انجام‌شده در آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری، این احتمال وجود دارد که ایران نتواند در مرحله رسیدگی شفاهی به دعوی آفریقای جنوبی به‌عنوان ثالث حضور یابد و دیدگاه‌های خود را بیان کند.

همان‌طور که در بخش مربوط به ورود ثالث مطابق ماده ۶۳ گفته شد، ایران با ورود ثالث به تفسیری که دیوان در آینده از کنوانسیون نسل‌کشی توسط دیوان در این دعوا ارائه می‌شود ملزم خواهد بود. هیچ تضمینی وجود ندارد که تفسیری که دیوان بین‌المللی دادگستری از این کنوانسیون ارائه می‌دهد، مطابق میل ایران باشد. اگرچه باید توجه داشت که حتی بدون ورود ثالث ایران هم تفسیر دیوان از کنوانسیون در آینده در قبال مواضع حقوقی ایران علیه رژیم صهیونیستی تأثیرگذار است، اما این الزام در برابر رژیم

صهیونیستی در این پرونده در قبال تفسیر کنوانسیون در صورتی که ایران در این پرونده به صورت ثالث ورود کند، ممکن است محدودیت‌هایی را در قبال مواضع حقوقی ایران در برابر این رژیم به همراه داشته باشد، و آزادی عمل ایران را بیش از پیش محدود سازد.

۴. نتیجه

در این پژوهش جوانب حقوقی ورود ثالث جمهوری اسلامی ایران به دعوی مطروحه در خصوص نقض کنوانسیون نسل‌زدایی توسط رژیم صهیونیستی و تأثیرات آن بر مسئله شناسایی بررسی شد. نتایج حاکی از این است که صرف عضویت رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد و به تبع آن، اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که جزء جداناپذیر منشور است، به معنای شناسایی آن توسط دولت‌هایی مانند جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود؛ چه اینکه، هرگونه پذیرش رژیم صهیونیستی و سایر رژیم‌ها و موجودیت‌های مشابه، صرفاً به منظور تحقق سایر اصول و قواعد اولویت‌دار و اساسی نظام ملل متحد، یعنی منع توسل به زور و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و نه اعتبار بخشی به چنین موجودیت‌هایی به جای تصمیم مستقل و قاطع دولت‌های دارای حاکمیت فی‌نفسه است. در حقیقت، عدم شناسایی رژیم صهیونیستی مانعی برای مطالبه‌گری از آن به دلیل نقض تعهدات بر اساس حقوق بین‌الملل نیست. با توجه به اینکه شناسایی صریح یا ضمنی فقط با احراز رضایت دولت به شناسایی صورت می‌گیرد، برخی اعمال دولت‌ها از جمله اقامه دعوا علیه دولت‌هایی که آنها را به رسمیت نمی‌شناسند، نمی‌توان شناسایی به حساب آورد، مگر اینکه به آن تصریح شده باشد. به این ترتیب، ورود ثالث چه بر اساس ماده ۶۲ باشد چه ماده ۶۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، به معنای شناسایی رژیم صهیونیستی محسوب نمی‌شود و مانعی برای ورود ثالث جمهوری اسلامی ایران از این حیث وجود ندارد. از سویی، به نظر می‌رسد حتی با فرض ورود به دعوی مذکور و تصدیق عدم شناسایی رژیم صهیونیستی توسط دیوان، اما ورود این رژیم به تقابل حقوقی و ارائه تفاسیری در خصوص کنوانسیون نسل‌کشی که از قضا می‌تواند مورد تصمیم و رأی دیوان قرار گیرد و نسبت به جمهوری اسلامی ایران اثر الزام‌آور و نسبی داشته باشد، بعید نیست علاوه بر این، با ورود ثالث، احراز صلاحیت ضمنی در راستای عملکرد ایران مبنی بر به قضاوت طلبیدن محکمه مذکور برای توسعه و طرح سایر دعاوی احتمالی علیه کشور دور از انتظار نیست.

منابع**۱. فارسی****الف) کتابها**

۱. بیگزاده، ابراهیم (۱۴۰۱). *حقوق بین الملل*. تهران: میزان.
۲. میرعباسی، سید باقر (۱۳۸۲). *حقوق بین الملل عمومی* (جلد ۲). تهران: میزان.
۳. عزیزی، ستار (۱۴۰۰). *تأسیس و جانشینی دولت‌ها*. همدان: مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا.

ب) مقالات

۴. الهویی نظری، حمید (۱۳۹۴). ورود ثالث در رویه دیوان بین المللی دادگستری (ماده ۶۲ اساسنامه). *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ج ۴۵، ۴، ۶۶۷-۶۸۹.
۵. عابدینی، عبدالله؛ ابراهیم گل، علیرضا. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی عدم شناسایی دولت در اثر طرح دعوا در مراجع حل و فصل اختلاف بین المللی با تأکید بر رویه دیوان بین المللی دادگستری. *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، (۱)۱۵، ۱۳۹-۱۵۴.

۲. انگلیسی**A) Books and Book Chapters**

1. Crawford, J. (2006). *The Creation of States in International Law* (Second Edition). Oxford: Clarendon Press.
2. Craven, M., & Parfitt, R. (2018). Statehood, Self-determination, and Recognition. In M. Evans (Ed.), *International Law* (5th Edition, pp. 177-226). Oxford University Press.
3. Kilibarda, P. (2024). *Recognition of States in International Law*. Oxford University Press.
4. Shaw, M. N. (2017). *International Law* (8th Edition). Cambridge: Cambridge University Press.
5. Miron, A., & Chinkin, C. (2019a). Article 62. In C. J. Tams & A. Zimmermann (Eds.), (C. J. Tams & A. Zimmermann, Eds.). *The Statute of International Court of Justice, A Commentary* (3rd Edition, 1686-1740). Oxford: Oxford University Press.
6. Miron, A., & Chinkin, C. (2019b). Article 63. In C. J. Tams & A. Zimmermann (Eds.), (C. J. Tams & A. Zimmermann, Eds.). *The Statute of International Court of Justice, A Commentary* (3rd Edition, 1741-1774). Oxford: Oxford University Press.
7. Merrills, J., & De Brabandere, E. (2022). *Merrills' International Dispute Settlement* (7th edition). Cambridge: Cambridge University Press.
8. Quigley, J. (2021). *The Legality of a Jewish State: A Century of Debate Over Rights in Palestine*. India: Cambridge University Press.
9. Zimmermann, A. (2019). Article 35, in, Andreas Zimmermann, Christian Tams, Karin Oellers-Frahm, Christian Tomuschat (eds.), *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*. (3rd Edition, 684-711), Oxford: Oxford University Press.

B) Articles

10. Aw, S. (2024). The effects of third-party intervention in the adjudication of maritime delimitation disputes. *Journal of International Dispute Settlement*, 15(1), 221-237. <https://doi.org/10.1093/jnlids/idad029>
11. Hsieh, Pasha L. (2006). An unrecognized state in foreign and international courts: the case of the Republic of China on Taiwan. *Michigan Journal of International Law*, 28(4), 765-814.
12. Pisillo Mazzeschi, R., & Carli, E. (2024). Proof of Specific Intent in the Crime of Genocide. *Journal of International Criminal Justice*, 22(2), 429-443. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqae025>
13. Talmon, S. (2005). The constitutive versus the Declaratory Theory of Recognition: Tertium Non Datur. *British Yearbook of International Law*, 75(1), 101-181. <https://doi.org/10.1093/bybil/75.1.101>

C) Legal Instruments

14. Convention on Rights and Duties of States. (1933). League of Nations Treaty Series, No.3802
15. The UN Security Council. (1950). Memorandum on the Legal Aspects of the Problem of Representation in the United Nations. UN Doc. S/1466.
16. Amendments to Articles 81,82 and 86 of Rules of the Court.(2024), available at: <https://icj-cij.org/sites/default/files/press-releases/0/000-20240228-wri-01-00-enc.pdf>
17. UNTS. (1945). Pact of the League of Arab States, Cairo, March 22, 1945, Annex on Palestine, vol. 70, at 237.
18. UNGA (1947). Resolution 181 (III), A/RES/181(1947)
19. UNGA (2012). Official Records of the 44th Plenary Meeting (29 November 2012), UN.Doc A/ 67/ PV.44
20. UNSCOP.(1947). Report to the General Assembly, 2nd Session, Vol I, A/364, supplement 11 at 43
21. ICJ Statute (1945). Available at: <https://treaties.un.org/doc/source/docs/charter-all-lang.pdf#page=23>

D) Case

22. Allegations of Genocide under the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Ukraine v. Russian Federation) ,(2023) Admissibility of the Declarations of Intervention, Order of 5th June, available at: <https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/182/182-20230605-ORD-01-00-EN.pdf>
23. equest for Intervention and Declaration of Intervention of The State of Palestine (2024). In the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of The Crime Of Genocide in The Gaza Strip (South Africa V. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240603-int-01-00-en.pdf>
24. Declaration of Intervention of State of Palestine under Article 62 and Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime Of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240603-int-01-00-en.pdf>

- [cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240603-int-01-00-en.pdf](https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240603-int-01-00-en.pdf)
25. Declaration of Intervention of Federative Republic of Brazil pursuant to Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2025). in the Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20250917-int-01-00-en.pdf>
 26. Declaration of Intervention of The Maldives under Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime Of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20241001-int-01-00-en.pdf>
 27. Declaration of Intervention of Columbia under Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240405-int-01-00-en.pdf>
 28. Declaration of Intervention of Libya under Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240510-int-01-00-en.pdf>
 29. Declaration of Intervention of Mexico under Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240524-int-01-00-en.pdf>
 30. Declaration of Intervention of Spain under Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240628-int-01-00-en.pdf>
 31. Declaration of Intervention of Turkey under Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240807-int-01-00-en.pdf>
 32. Declaration of Intervention of Chile under Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240912-int-01-00-en.pdf>
 33. Declaration of Intervention of Bolivia under Article 63 of the Statute of the International Court of Justice (2024). in the Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in The Gaza Strip (South Africa v. Israel), Available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20241001-int-01-00-en.pdf>

34. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), (2024), Request For the Indication of Provisional Measures, available at: <https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240126-ord-01-00-en.pdf>
35. Declaration of Intervention under Article 63 of The United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, in the case of Allegations of Genocide under the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Ukraine v. Russian Federation), (2022), available at: <https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/182/182-20220805-WRI-01-00-EN.pdf>
36. Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts,
37. with commentaries, (2001), Available at: https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf
38. ICJ, (2024), Advisory Opinion on Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, 19th July, available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/186/186-20240719-adv-01-00-en.pdf>
39. ICJ Reports (1990), Land, Island and Maritime Frontier Dispute, Application by Nicaragua for Permission to Intervene, Judgment 13rd September 1990
40. ICJ Reports (1992), Land, Island and Maritime Frontier Dispute (Merits, Judgment)
41. ICJ Reports, (1995), Request for an Examination of the Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court S Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests (New Zealand v. France) Case
42. ICJ Reports, (1996), Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Preliminary Objections, Judgment, , p.595
43. ICJ Reports (2004). Legality of Use of Force case (Serbia and Montenegro v. Belgium), Preliminary Objections, pp. 279.
44. ICJ Reports (2011). Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy), Application for Permission to Intervene, Order of 4 July 2011.
45. ICJ Reports, (2011). Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia), Application for Permission to Intervene, Judgment, p.420
46. ICJ Reports, (2013). Declaration of Judge Giorgio Gaja. on Order of 6 February 2013 on Case concerning Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan), Declaration of Intervention of New Zealand, p.41
47. ICJ Reports (2013). Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan), Declaration of Intervention of New Zealand, Order of 6 February, p.3
48. Order of ICJ in Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), (2024). Available at: <https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240126-ord-01-00-en.pdf>

E) Encyclopedia

49. Papadaki, Matina. (2018). *Intervention: International Court of Justice (ICJ)*. In H. R. Fabri (Ed.), (H. R. Fabri, Ed.), *Max Planck Encyclopedia of International Procedural Law [MPEiPro]*. Oxford: Oxford University Press.

F) Websites

50. <https://icj-cij.org/case/192/intervention>